

خداوند شبان من است



خداوند شبان من است

واقعا توکل مفهوم سختی است و کار هر کسی نیست. توکل نهایت ایمان است و تنها روح های پاک می توانند به او توکل کنند و خود را به خدا بسپارند.

اینکه همیشه چوپان و نگاهبان توست احساس زیبایی است و شما مانند فرزند و کودکی بی دغدغه از زندگی همیشه شادمانه به بازی کودکانه می پردازید. وقتی کوچک بودیم به ترس و گرسنگی و تنهایی فکر نمی کردیم. گوسفندی بودیم در دامان چوپان! به گرگ فکر نمی کردیم چون نگاهبانان خوبی داشتیم و غمی نداشتیم شاد بودیم و غرق لذت! روح خدا در قالب پدر و مادر از ما پاسداری می کرد.

اما وقتی بزرگ شدیم روح ما گویا از گله خداوند جدا شد. و دائم به گرگ اندیشیدیم و ترسیدیم و چوپان مان را گم کردیم و هنوز می ترسیم و شبان مان را می جوییم!

شبان هست! به گله برگردیم! چون هر گله ای شبانی دارد! خود را به شبان

بسپاریم و تا ابد راحت باشیم و همه امور مان را به او بسپاریم و از چیری نترسیم
تا زمانی که او هست! و به گله بان شجاع خود مطمئن باشیم و دلگرم ... فخر
بفروشیم و ایمان داشته باشیم!

سپردن به او، تنها چاره مشکل ها، غم و تنهایی و درد بشر است و این آخر ایمان
است! همچون گوسفندی خود را در آغوش شبانی سپردن نهایت ایمان است! اما
باید به صدای او گوش بدهیم و از فریادهای او که نهیب می زند که از گله دور
نشوید! ناراحت نشویم حرفش را گوش کنیم تا ابد در امان چوپان مهربان باشیم!

او مهربان است و همه گوسفندان خود را با نام می شناسد و دوست دارد!

در کتاب مقدس (انجیل) - مزامیر داود - بخش ۲۳ آمده است

« خداوند شبان من است ؛ محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. در مرتع‌های سبز مرا
می‌خواباند. نزد آبهای راحت مرا رهبری می‌کند. جان مرا برمی‌گرداند و به خاطر
نام خود به راه‌های عدالت هدایت می‌نماید. چون در وادی سایه موت نیز راه روم
از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی؛ عصا و چوب‌دستی تو مرا تسلی خواهد
داد. سفره‌ای برای من به حضور دشمنانم می‌گسترانی. سر مرا به روغن تدهین
کرده‌ای و کاسه‌ام لبریز شده است. هر آینه نیکویی و رحمت تمام ایام عمرم در
پی من خواهد بود و در خانه خداوند ساکن خواهم بود تا ابدالآباد. »